

شیرین یادگاری

کارشناس ارشد روابط بین الملل

مشاور اجتماعی



آیا گذار غیرخشونت آمیز از جمهوری اسلامی امکان پذیر است؟

این سؤال از آن دسته پرسش‌های مهم و در عین حال پیچیده است که پاسخ قطعی و ساده ندارد، اما می‌شود آن را از زاویه تجربه‌های تاریخی و علوم سیاسی بررسی کرد. در تئوری بله—اما در عمل وابسته به چند شرط کلیدی است. در علوم سیاسی به این نوع تغییرات معمولاً «گذار مسالمت آمیز سیاسی» یا *nonviolent transition* گفته می‌شود. نمونه‌هایی در جهان وجود دارد، همچون:

- آفریقای جنوبی گذار از آپارتاید
- شیلی پایان دیکتاتوری پینوشه با رفراندوم
- تونس در مقایسه با برخی کشورهای بهار عربی

اما این‌ها فقط زمانی موفق شدند که چند عامل هم‌زمان وجود داشت:

1) شکاف در درون قدرت

هیچ گذار غیرخشونت آمیزی بدون نوعی **انشعاب در حاکمیت** یا کاهش انسجام نیروهای اصلی قدرت تقریباً رخ نمی‌دهد. وقتی بخش‌هایی از ساختار قدرت به این نتیجه برسند که ادامه وضعیت به ضرر کل سیستم است، امکان تغییر مسالمت آمیز بیشتر می‌شود.

2) وجود نیروی اجتماعی سازمان یافته

اعتراض پراکنده کافی نیست، گذارهای مسالمت آمیز معمولاً نیاز به جنبش مدنی سازمان یافته، رهبری یا شبکه هماهنگ و هدف روشن مثلاً انتخابات آزاد، اصلاح قانون اساسی یا رفراندوم دارند.

3) هزینه پایین خشونت و هزینه بالای سرکوب

اگر حکومت بتواند بدون هزینه بالا سرکوب کند، گذار مسالمت آمیز سخت‌تر می‌شود اما اگر هزینه سیاسی سرکوب بالا برود یا مشروعیت داخلی و خارجی کاهش یابد آنگاه تمایل به پذیرش خواسته‌های مردم بیشتر می‌شود.

4) نقش نیروهای رادیکال

وجود نیروهای متعصب یا رادیکال مذهبی معمولاً کار را پیچیده می‌کند، اما لزوماً به معنی بسته بودن مسیر نیست. در بسیاری از کشورها ابتدا گروه‌های رادیکال وجود داشتند اما به تدریج با فشار اجتماعی، اقتصادی یا شکاف درون سیستم، نقششان محدود شدنکنه مهم این است: رادیکال‌ها معمولاً در فضای دو قطبی رشد می‌کنند؛ کاهش قطبیت سیاسی یکی از ابزارهای مهم کاهش قدرت آنهاست.

5) نقش جامعه بین‌المللی (محدود ولی مهم)

فشار یا حمایت خارجی می‌تواند هزینه سرکوب را بالا ببرد یا مسیر مذاکره را تقویت کند اما معمولاً تعیین‌کننده عامل اصلی نیست و عامل داخلی مهم‌تر است.

جمع‌بندی واقع‌بینانه

گذار بدون خشونت ممکن است، اما تضمین‌شده یا آسان نیست معمولاً نتیجه یک فرآیند طولانی است، نه یک اتفاق ناگهانی و ترکیبی از دلایل ذیل می‌تواند چنین مسیری را باز کند.

- تغییرات درون قدرت
- فشار اجتماعی سازمان‌یافته
- و ضرورت‌های اقتصادی/سیاسی

حال اگر بخواهیم این موضوع را دقیق‌تر هم بررسی کنیم، باید به مسایل دیگری از جمله سناریوهای مختلف گذار در ایران (اصلاح از درون، رفراندوم، فروپاشی تدریجی، یا انقلاب) یا اینکه چرا بعضی کشورها به خشونت کشیده شدند و بعضی نه بپردازیم. واقع‌بینانه و بر اساس ادبیات علوم سیاسی، سناریوهای محتمل گذار سیاسی در ایران را بررسی کنیم. معمولاً درباره کشورهای با ساختار سیاسی ایدئولوژیک و امنیتی، ۴ مسیر اصلی مطرح می‌شود:

❖ سناریوهای گذار سیاسی در ایران

1. گذار تدریجی از درون ساختار (Reform / Evolution from within)

در این سناریو، تغییر از داخل حاکمیت شروع می‌شود، نه از بیرون.

چگونه اتفاق می‌افتد؟

- شکاف در بین جناح‌های قدرت
- تغییر نسل در مدیران و نخبگان
- فشار اقتصادی و اجتماعی
- نیاز به باز کردن فضای سیاسی برای بقا

نتیجه احتمالی:

- اصلاح قانون اساسی یا تفسیر جدید از آن
- افزایش نقش انتخابات

- کاهش نقش نهادهای غیرانتخابی
- مزیت: کم‌هزینه‌ترین مسیر از نظر خشونت
- ضعف: در سیستم‌های بسته، کند و غیرقابل پیش‌بینی است

2. گذار توافقی (Negotiated Transition)

این همان مدلی است که در برخی کشورها موفق بوده.

Iran در این سناریو به نقطه‌ای می‌رسد که حاکمیت بخشی از قدرت را حفظ می‌کند و اپوزیسیون یا نیروهای جدید وارد ساختار قدرت می‌شوند و یک «توافق ملی» شکل می‌گیرد (مثل فراندوم یا انتخابات کنترل‌شده)

شرط اصلی:

وجود یک «بن‌بست سیاسی و ترس مشترک از فروپاشی یا جنگ داخلی

مزیت: احتمال خشونت پایین‌تر

اشکال: نیازمند اعتماد حداقلی بین طرف‌هاست (که معمولاً سخت‌ترین بخش است)

3. فرسایش و تغییر تدریجی (Gradual Erosion)

در این حالت هیچ توافق بزرگی رخ نمی‌دهد.

چه اتفاقی می‌افتد؟

- کاهش تدریجی کارآمدی دولت
- مهاجرت نخبگان
- بحران اقتصادی مزمن
- کاهش مشروعیت اجتماعی
- تضعیف تدریجی کنترل مرکزی

نتیجه:

سیستم به صورت «آهسته» تغییر می‌کند یا جای خود را به ساختار جدید می‌دهد.

مزیت: خشونت گسترده ممکن است رخ ندهد

ضعف: طولانی، فرسایشی، و همراه با رکود اقتصادی

4. فروپاشی یا تغییر ناگهانی (Crisis / Collapse)

این سناریو زمانی رخ می‌دهد که چند بحران هم‌زمان شوند:

- بحران اقتصادی شدید
- شکاف در نیروهای امنیتی

- اعتراضات گسترده و طولانی

- بحران جانشینی یا قدرت

نتیجه

- تغییر سریع ساختار قدرت

- یا بازسازی کامل نظام سیاسی

ریسک:

بیشترین احتمال بی‌ثباتی و خشونت

نقش نیروهای رادیکال در این سناریوها

وجود نیروهای متعصب یا ایدئولوژیک معمولاً:

- در سناریوی 1 و 2 یعنی گذر تدریجی از ساختار و گذر توافقی می‌تواند مانع اصلی باشد

- در سناریوی 3 "فرسایش تدریجی" باعث کند شدن تغییر می‌شود

- در سناریوی 4 "گذر ناگهانی" اگر انسجام داشته باشند، احتمال درگیری را بالا می‌برد

اما نکته مهم:

در بسیاری از کشورها، رادیکال‌ها در نهایت وقتی قدرت اقتصادی/امنیتی یا انسجام خود را از دست دادند به حاشیه رانده شدند

نه لزوماً با حذف فیزیکی بلکه با تغییر توازن قدرت.

جمع‌بندی ساده

برای گذر از حکومت اسلامی از نگاه تحلیل سیاسی محتمل‌ترین مسیرها معمولاً گذر و فرسایش تدریجی "سناریو 1 و 3" هستند،

مسیر توافقی "سناریو 2" ممکن است، اما به «بحران مشترک + اراده سیاسی» نیاز دارد و مسیر ناگهانی "سناریوی 4" کم‌احتمال‌تر

اما پرریسک‌تر است.

سوال: «چه نشانه‌هایی نشان می‌دهد ایران به سمت کدام سناریو حرکت می‌کند یا اینکه «در تاریخ، چه کشورهایی

شبیه‌ترین مسیر را به ایران داشته‌اند و چرا؟»

ادامه دارد